

The impact of national and ethnic identity on political attitudes (Case-study: citizens of Khoy city)

Hossein Masoudnia*
Mahmoudreza Rahbarghazi**
Maryam Ghorbani***

Received: 2017/12/05

Accepted: 2019/12/2

Analyzing citizen's political attitude is an important issue in all countries. The purpose of this study is to investigate the effect of national and ethnic identities on the political attitudes of individuals. The statistical population of this research is Khoy city in West Azarbaijan province, which was studied by 398 inhabitants of this city by quota sampling method. The results of the research show that, firstly, according to the Mead views, there is a difference between national identity and ethnic identities, not contradictions, but rather a positive relationship, each of which goes up by reinforcing another's identity. Secondly, although these two types of identities are well-matched, their effects on the political attitudes of citizens are different. In this regard, the findings suggest that while increasing national identity tends to bring citizens closer to fundamentalism, ethnic identity reinforces the likelihood of individuals turning into reformist political groups in the community.

Keywords: Ethnic Identity, Fundamentalism, Khoy city, National Identity, Political Attitude, Reformism.

* Associate Professor of Political Science at Isfahan University, Isfahan, I.R.Iran
(Corresponding author). h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

** Assistant Professor of Political Science at Isfahan University, Isfahan, I.R.Iran.
m.rahbarghazi@ase.ui.ac.ir

*** Ph.D Student in Political Science at Isfahan University, Isfahan, I.R.Iran.
m.ghorbani@ase.ui.ac.ir

تأثیر هویت ملی و قومی بر نگرش سیاسی (مطالعه موردی شهروندان شهرستان خوی)

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۱

مقاله برای بازنگری به مدت ۱۱۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

حسین مسعودنیا*

محمودرضا رهبرقاضی**

مریم قربانی***

چکیده

تحلیل نگرش سیاسی شهروندان در تمام جوامع مسئله‌ای مهم به شمار می‌آید؛ چراکه نگرش‌ها مقدمه شکل‌گیری رفتارها و کنش‌های افراد هستند. از سوی دیگر، موضوع اهمیت یافتن هویت‌های ملی و قومی در عصر جهانی شدن، مهم‌ترین موضوع در جامعه‌شناسی سیاسی محسوب می‌شود. در این راستا، به نظر می‌رسد یکی از عواملی که می‌تواند بر روی نگرش سیاسی افراد تأثیرگذار باشد، هویت‌های ملی و قومی افراد می‌باشد. با توجه به اینکه تاکنون داده مستند تجربی در این خصوص ارائه نشده است، سنجش هر چند اجمالی این موضوع ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به این امر، هدف این پژوهش بررسی تأثیر هویت‌های ملی و قومی بر روی نگرش سیاسی افراد می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شهرستان خوی در استان آذربایجان غربی است که در حدود ۳۹۸ نفر از افراد ساکن در این شهرستان با روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اولاً، میان هویت ملی و هویتی قومی، نه تضاد، بلکه نوعی ارتباط مثبت وجود دارد که بالاتر رفتن هر کدام از آنها با تقویت هویت دیگر همراه است. ثانیاً، هر چند این دو نوع هویت، انطباق خوبی با هم دارند، اما تأثیرات آنها بر روی نگرش سیاسی شهروندان متفاوت می‌باشد. در این راستا، یافته‌ها حاکی از آن است که افزایش هویت ملی باعث گرایش شهروندان به اصول‌گرایی می‌شود، اما هویت قومی احتمال تمایل افراد به گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب در جامعه مذکور را تقویت می‌نماید.

واژگان کلیدی: اصلاح‌طلبی، اصول‌گرایی، شهرستان خوی، نگرش سیاسی، هویت قومی، هویت ملی.

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

** استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران.

m.rahbarghazi@ase.ui.ac.ir

m.ghorbani@ase.ui.ac.ir

*** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

بیان مسئله: این واقعیت که نگرش‌های سیاسی علیرغم تمام اهمیت و آثاری که دارند، تحت تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرند؛ دلیل خوبی است که نشان می‌دهد چرا جامعه‌شناسان و سیاستمداران به این موضوع توجهی ویژه دارند. به همین خاطر است که شاهد طرح و اجرای پژوهش‌های متعددی در این زمینه هستیم که در این میان جایگاه و نقش هویت ملی بیشترین توجه را به خود جلب نموده و در این نوشتار از همین رویکرد به مسئله پرداخته شده است.

اهمیت: موضوع حاضر بیش از همه برای سیاستمداران مهم است؛ چرا که ارزش کاربردی داشته و می‌تواند در پیش‌بینی و مدیریت نگرش‌های سیاسی بازیگران هدف، مؤثر باشد.

ضرورت: عدم ورود به موضوع تحلیل الگوهای نگرش سیاسی، می‌تواند زمینه انحراف در تحلیل و کاهش کارآمدی سیاست‌های عملی را در پی داشته باشد. به همین خاطر طرح و اجرای چنین مطالعاتی دارای اهمیت کاربردی است.

اهداف: هدف اصلی این پژوهش طراحی و ارائه الگویی است که بتواند تصویر جامع‌تری از نگرش‌های سیاسی در ارتباط به هویت ملی و قومی ارائه نماید. این امر به اصلاح و بهبود الگوهای مدیریت رفتار سیاسی در ایران کمک نموده و افزون بر آن به تقویت دانش بومی در این حوزه کمک می‌کند.

سؤال‌ها: پرسش از تأثیر هویت ملی و قومی به نگرش سیاسی در ایران، به عنوان سؤال اصلی این نوشتار مطرح است. در این ارتباط پرسش از چیستی و مؤلفه‌های هویت ملی و قومی، اصول و ارکان نگرش سیاسی و چگونگی ارتباط بین این دو به عنوان سؤال‌های فرعی طرح و پاسخ داده شده‌اند.

۱. پیشینه تحقیق

با توجه به تعداد قابل توجهی از مطالعات نظری و کاربردی که در این زمینه به انجام رسیده، می‌توان این آثار را به سه گروه زیر تقسیم نمود:

۱-۱. آثاری که به مطالعه رابطه هویت قومی با هویت ملی اختصاص دارد.

در این آثار هدف اصلی بررسی نوع ارتباط هویت قومی با هویت ملی است. برای مثال

احمدی و گنج‌خانلو (۱۳۹۳) این موضوع را در بین جوانان زنجان به بحث گذارده و نشان داده‌اند که جوانان ترک در شهر زنجان دارای جهت‌گیری‌های مثبت نسبت به هویت قومی و ملی هستند. مقدس جعفری و همکارانش (۱۳۸۷) استدلال نموده‌اند که تقویت هویت ملی به منظور وحدت و همبستگی عام و حفظ هویت‌های قومی، با رویکرد سیاست «وحدت در کثرت» قابل انجام است.

۱-۲. آثاری که به تأثیر هویت قومی بر روی رفتار رأی‌دهی و نه نگرش سیاسی، پرداخته‌اند.

اکبری و فخاری (۱۳۹۶) به بررسی نقش هویت قومی بر رفتار انتخاباتی شهروندان پرداخته‌اند. بررسی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در مدل رگرسیونی چند متغیره در مدل نهایی، متغیرهای مطالبات قومی و هویت قومی، رابطه‌ای معنی‌دار با الگوی رأی‌دهی قومی داشته‌اند. شهیدی‌نیا (۱۳۷۹) عوامل مؤثر بر رفتار انتخاباتی (ترجیحات رأی‌دهی) شهروندان استان کرمانشاه را در دوره اول تا پنجم مجلس شورای اسلامی مطالعه کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مهم‌ترین مؤلفه مؤثر بر رأی‌دهندگان، پیوندهای قبیله‌ای و گروه‌گرایی محلی بوده است. لوبرس و کاندرس (Lubbers and Coenders, 2017) استدلال می‌کنند که رأی‌دهی به احزاب راست به شدت با تهدید هویت‌های ملی در ارتباط است. همچنین دوکیت و سیبلی (Duckitt and Sibley, 2016) نشان می‌دهند که تأثیرات شخصیت بر روی رویکردهای ایدئولوژیک عمدتاً بر اساس گروه‌های قومی می‌تواند متغیر باشد.

۱-۳. آثاری که مطالعات موردی اختصاص دارند.

سردارنیا و یوسفی (۱۳۹۵) نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های مهم یادشده آن، حدود ۵۰ درصد در سمت‌گیری دانشجویان به فرهنگ مدنی و دموکراتیک (نگرش‌ها و رفتار مشارکتی) تأثیرگذار بوده است. یافته کلی این پژوهش حاکی از آن است که پاسخگویانی که سطح سرمایه اجتماعی آنها بیشتر باشد، بیشتر از دیگران به فرهنگ

سیاسی مردمسالارانه گرایش پیدا می‌کنند و از فرهنگ سیاسی سنتی دور می‌شوند. شهریاری (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که بین رشته‌های مختلف تحصیلی و نگرش سیاسی پاسخگویان همبستگی وجود دارد. بر اساس نتایج پژوهش دانشجویان رشته علوم انسانی در سه مؤلفه از ابعاد پنج‌گانه گرایش سیاسی - یعنی مشارکت سیاسی، جریان سیاسی و هویت سیاسی - نسبت به دانشجویان دیگر رشته‌ها باهم تفاوت دارند، ولی در دو مؤلفه دیگر از ابعاد نگرش سیاسی تفاوت معناداری میان رشته‌های متفاوت تحصیلی مشاهده نشده است.

با توجه به پژوهش‌های بیان شده، مشخص می‌گردد که مقاله حاضر از چند حیث دارای نوآوری می‌باشد: اولاً. در این پژوهش منظور از هویت قومی نه قومیت به عنوان امری ساختاری و ابژکتیو، بلکه امری هویتی و ذهنی است که در آن میزان احساس تعلق فرد به خصایص قومی و محلی آن منطقه را مورد سنجش قرار می‌دهد. ثانیاً. هر چند در ایران برخی مطالعات در راستای پژوهش حاضر صورت گرفته است ولی در بیشتر آنها نگرش سیاسی به معنای نوعی فرهنگ سیاسی بوده است. اما این پژوهش با تعریف نگرش سیاسی به معنای جهت‌گیری سیاسی مثبت یا منفی افراد نسبت به یکی از جناح‌های سیاسی اصلی در کشور، یعنی اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی، به شیوه‌ای نوین و البته کاربردی سعی در بررسی تأثیر هویت ملی و قومی بر روی نگرش سیاسی شهروندان دارد.

۲. مبانی مفهومی و نظری

با توجه به سه متغیر اصلی پژوهش، مهمترین ارکان مفهومی و نظری نوشتار حاضر عبارتند از:

۲-۱. هویت ملی

هویت شامل معانی‌ای است که فرد در برخی موقعیت‌های خاص آن را به کار می‌گیرد تا کیستی خود را توضیح دهد. همچنین هویت جمعی نوعی احساس تعلق به جامعه‌ای

است که باعث همبستگی و وحدت در جامعه می‌شود و بخشی از هویت افراد را تشکیل می‌دهد (Burke, 1991, p. 156). یکی از انواع هویت، هویت ملی است و اندیشمندان سیاسی و اجتماعی مؤلفه‌های مختلفی برای به وجود آمدن آن ذکر کرده‌اند. از آن جمله: عنصر فرهنگی هویت ملی (کاستلز، ۱۳۸۰)، عنصر تاریخی و اسطوره مشترک (Smith and Jarkko, 2001)، عنصر زبان مشترک (Spieberger and Ungersbock, 2005) و بالاخره سرزمین مشترک (Purdie and Wilss, 2007).

۲-۲. هویت قومی

مرزهای قومی، چارچوب‌های پیوندهای اجتماعی و تفاوت‌های گروهی هستند که بر اساس تعیین اعضای درون‌گروه و برون‌گروه‌ها ایجاد می‌شوند. اجتماعات قومی بر اساس استانداردهای متفاوتی مشخص می‌شوند، اما بیشتر آنها بر دو مؤلفه فرهنگ و جغرافیا تأکید می‌کنند. مرزبندی‌های قومی به مانند شبکه‌های اجتماعی که میانجی و واسطه پیوندها و ارتباطات انسان‌ها هستند، بهتر از مرزبندی‌های جغرافیایی درک می‌شوند. قوم را سازمان اجتماعی منسجمی تعریف می‌کنند که بر گستره جغرافیایی معینی قرار دارد و شامل اجتماعی از انسان‌ها است که در طی زمان باهم روابط مختلفی برقرار کرده‌اند، آنها دارای زبان، ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگی، نمادهای اجتماعی و آداب و رسوم نسبتاً یکسان هستند (ابوطالبی، ۱۳۷۹؛ به نقل از حافظ‌نیا و کاویانی، ۱۳۸۵). هویت قومی را می‌توان احساس تعلق مشترک تعریف کرد که یک قوم منحصر به فرد را به عنوان گروهی فرعی از اجتماع بزرگتر تعریف می‌کند و اعضای آن قوم را از نظر ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگی از دیگر اعضای جامعه متمایز می‌سازد (داوری، ۱۳۷۹، ص. ۴۴).

۲-۳. نگرش سیاسی

شناخت نگرش گروه‌های اجتماعی و افراد به مسائل مختلف حائز اهمیت فراوانی است؛ زیرا همان‌گونه که محققان بسیاری خاطرنشان کرده‌اند، نگرش‌ها یکی از عوامل بسیار مهم مؤثر بر رفتار افراد و یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های بسیار قوی رفتار آنها به شمار

می‌رود. نگرش را می‌توان ارزیابی خلاصه و کوتاهی از موضعی تفکر دانست که دربرگیرنده پاسخ‌های شناختی و عاطفی است که دربرگیرنده پاسخ‌های شناختی و عاطفی است و به نوعی گرایش و تمایل به عمل معین را در مقابل محرکی خاص ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر نگرش، حالت آمادگی روانی نسبتاً پایداری است که فرد در رویارویی با پدیده، با توجه به تجربه‌های پیشین و ارزیابی شناختی و عاطفی، در مورد آن پدیده ارزیابی‌های مثبت یا منفی می‌کند و آماده عکس‌العمل (رفتاری خاص) می‌شود (عباسی، کوهکن و آبسالان، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۸). در این راستا، نگرش سیاسی عمدتاً به طرز تلقی‌های سیاسی و جهت‌گیری‌های منفی یا مثبت در برابر واقعیت‌های سیاسی گفته می‌شود که می‌توانند در طول زمان تغییر یابند (رهبرقاضی، رادی و لیموچی، ۱۳۹۵، ص. ۳۰۳). به عبارت دیگر، نگرش‌های سیاسی از طرز تلقی‌هایی اجتماعی که در برابر اوضاع سیاسی شکل می‌گیرد نیز تأثیر می‌پذیرد. به عبارت دیگر، عقیده و نظر و احساسی که فرد درباره موضوع سیاسی دارد، نگرش سیاسی او را تشکیل می‌دهد (بیرو، ۱۳۷۰، ص. ۲۷۲).

۴-۲. ارتباط هویت و نگرش سیاسی

با توجه به اهمیت موضوع ارتباط هویت با نگرش سیاسی، نظریه‌های متعددی در این خصوص ارائه شده که در ابتداء، مرور شده و در ادامه نظریه مبنا ارائه می‌گردد:

الف. مرور نظریه‌ها

این موضوع که نگرش‌ها چگونه شکل گرفته و تغییر می‌کنند، برای رهبران و سیاستمداران بسیار مهم است؛ زیرا در این صورت آنها می‌توانند با پیش‌بینی رفتار سیاسی دیگران، اقدام مناسب و تأثیرگذاری مورد نظر را اعمال کنند (عبدالملکی، ۱۳۹۵). آنچه مهم است این است که یکی از ویژگی‌های نگرش‌ها، از جمله نگرش سیاسی، خلق‌الساعه نبودن آنها است و اینکه آنها از بدو تولد به همراه فرد نیستند، بلکه از طریق تجربه به دست می‌آیند. از این‌رو منابع نگرش از نظر اکثر محققان، افرادی هستند که انسان در

زندگی خود با آنها کنش متقابل دارد. روان‌شناسان اجتماعی در خصوص اینکه نگرش‌ها چگونه ساخته می‌شود نظرات مختلف و عوامل متعددی را اشاره کرده‌اند. برخی از محققان بر روی تأثیر عواملی از قبیل ترغیب سیاسی (Mutz, Sniderman and Brody, 1996)، رسانه‌های گروهی (Lenart, 1994)، تهدیدات اجتماعی و فرهنگی (Duckitt and Fisher, 2003)، رویکردهای دینی (Tessler, 2002)، سرمایه اجتماعی (Cigler and Joslyn, 2002)، هویت حزبی (Jacoby, 1988)، اثربخشی سیاسی (Clarke and Acock, 1989) در نگرش سیاسی افراد اشاره کرده‌اند. در ایران نیز برخی از محققان بر روی نقش متغیرهایی مانند اولویت‌های ارزشی (رهبرقاضی، نساج و گورابی، ۱۳۹۵)، اعتماد به رسانه ملی (امیری و نوری، ۱۳۹۱)، خانواده و دانشگاه (هاشمیان‌فر، دهقانی و فراستخواه، ۱۳۹۴)، اینترنت (خدابخشی، ۱۳۹۴)، شکاف‌های جنسیتی (رهبرقاضی، رادی و لیموچی، ۱۳۹۵)، ویژگی‌های شخصیتی (رهبرقاضی، باقری اژیبه و رحمانی، ۱۳۹۷)، بنیان‌های اخلاقی (رهبرقاضی، باقری اژیبه و رحمانی، ۱۳۹۴) در شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی پرداخته‌اند.

ب. نظریه «هویت و نگرش»

متغیر مهمی که می‌تواند بر روی نگرش سیاسی شهروندان تأثیر گذارد، هویت قومی و ملی افراد است. مطالعه شاخص تنوع قومی نشان می‌دهد که از ۱۹۰ کشور جهان، تنها ۲۲ کشور تنوع قومی کمی دارند و در عوض ۸۷ کشور از ناهمگونی قومی بالایی برخوردار هستند. در این زمینه بررسی پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که ریشه بسیاری از چالش‌های موجود در این کشورها و یکی از تعیین‌کننده‌ترین شرط‌های مؤثر بر رفتارهای سیاسی افراد، مسئله قومیت است. در این زمینه، یکی از حوزه‌های تأثیرپذیر از مسئله قومیت، رفتارهای انتخاباتی و نگرش‌های سیاسی در کشورهای دموکراتیک یا نیمه دموکراتیک مشخص‌تر است که انتخابات در آنها نقش مهمی در اداره جامعه و چرخش نخبگان موجود بازی می‌کند. از این رو مسئله هویت مخصوصاً هویت قومی و ملی یکی از کانون‌های مورد توجه در عرصه رقابت‌های انتخاباتی و

جهت‌گیری سیاسی و یکی از مؤلفه‌های مورد استفاده رهبران و گروه‌های سیاسی در چالش‌های انتخاباتی است که با تأثیر بر شرایط رأی‌دهی اقوام می‌تواند نقش مهمی در خروجی انتخابات داشته باشد (اکبری و فخاری، ۱۳۹۶).

در زمینه تبیین نقش هویت قومی بر روی نگرش سیاسی شهروندان نظرات مختلفی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: نظریات نخبه‌گرا (McCrone, 1998)، نظریه شکاف‌های اجتماعی (Lipset, 2001)، نظریه انتخاب عقلانی (Green and Shapiro, 1996)، نظریه دلبستگی گروهی (Rom and Mikulincer, 2003)، نظریه هویت اجتماعی (Tajfel and Turner, 2004)، نظریه رقابت (Morrow and Morrow, 1994). بیشتر این نظریات در فضای غیریت‌سازی و تضاد «ما» و «دیگری» عمل می‌کنند؛ موضوعی که به نظر می‌رسد چندان با فضای هویتی در ایران سازگار نمی‌باشند. در این زمینه بسیاری از تحقیقات تجربی موجود در ایران از قبیل پژوهش‌های مقدس جعفری، شیخاوندی، و شریف‌پور (۱۳۸۷)، احمدلو و افروغ (۱۳۸۱)، افشار کهن، پاک‌سرشت، و زندی (۱۳۹۲)، حاجیانی (۱۳۸۷)، مهرمند، اشرفی سلطان احمدی، عزیزی‌نژاد و ماندگار (۱۳۸۹) و بسیاری از محققان دیگر نشان می‌دهند که نه تنها بین هویت قومی و هویت ملی در بین شهروندان ایرانی تعارضی وجود ندارد بلکه بین این دو متغیر رابطه‌ای مثبت وجود دارد که باعث می‌شود افزایش هر کدام از این متغیرها منجر به بالا رفتن هویت دیگری شود.

پ. نظریه گروه هویتی مرجع و نگرش سیاسی

یکی از نظریه‌هایی که در زمینه اهمیت گروه‌های هویتی ارائه شده، نظریه گروه‌های مرجع می‌باشد. در این زمینه بسیاری از نظریه‌پردازان گروه‌های مرجع نشان داده‌اند که انسان‌ها در شکل‌دهی به نگرش‌های خود بیش از آنکه به خود متکی باشند، به گروه‌هایی که با آنها در ارتباط هستند تکیه دارند. آنها در کارهای خود به این نتیجه رسیده‌اند که گروه‌های مرجع افراد غالباً از میان نزدیکان آنها هستند. بنابراین افراد در یک جامعه بزرگ تحت تأثیر همان کسانی قرار دارند که در قالب گروه‌های کوچک ارتباط نزدیکی با آنها دارند. برخی دیگر

نیز معتقدند که تمایل و ارجاع فرد به یک گروه موجب شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای وی بر اساس هنجارها و رویه‌های گروه مزبور خواهد بود. وقتی فردی علاقه‌مند باشد که عضو یک گروه شود، آمادگی لازم را برای کسب و پذیرش نگرش‌هایی پیدا می‌کند که به اعتقاد او در آن گروه رواج دارند. این آمادگی به دلیل انگیزه او برای کسب پاسخ و واکنش مناسب از سوی اعضای گروه است؛ انگیزه‌ای که خود از نوع ارزیابی فرد از جایگاه خویش در میان اعضای گروه متأثر است (صدیق سروستانی و هاشمی، ۱۳۸۱). از این دیدگاه، گروه‌های مرجع از آن جهت اهمیت دارند که رفتار و آگاهی‌ها و ایدئولوژی‌ها و بالاخره افکار معینی را به افراد دیکته می‌کنند. گروه مرجع حتی ممکن است که در زمان حال موجودیت نداشته باشد و از گذشته باشد. شرط اصلی متابعت از رفتارهای گروه مرجع، عضویت در آن نیست چرا که در مواردی فرد در گروه مرجع عضویت ندارد اما رفتارهای آن را مورد توجه قرار می‌دهد. لازم به یادآوری است که گروه‌های مرجع همیشه نقش مثبت ندارند. برای اعضا یک گروه، گروه دیگری ممکن است گروه مرجع منفی باشد. اهمیت این نوع داوری را در مورد گروه‌های متأثر از ایدئولوژی سیاسی می‌توان مشاهده کرد (Deutsch and Krauss, 1965). با استفاده از این نظریه می‌توان استدلال کرد که در برخی مواقع رهبران و نخبگان برخی از گروه‌های قومی و ملی می‌توانند بر روی نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی افراد عضو آن گروه تأثیر گذارند و آنها را به سمت خاصی سوق دهند.

ت. چارچوب نظری مبنا

در این تحقیق رویکرد نظری «هربرت مید»^۱ به عنوان مبنای تحلیل پذیرفته شده است. مید نیز از جمله نظریه‌پردازانی بود که به رابطه متقابل میان انسان و محیط اجتماعی‌اش اعتقاد داشت؛ به این معنی که شکل‌گیری و رشد هویت، در متن متنوعی از نهادها و بافت‌های اجتماعی نظیر، خانواده، گروه‌های قومی، محیط‌های آموزشی، محیط‌های شغلی و بافت مذهبی به وجود می‌آید. اما در عین حال انسان خالق، کنش فردی و اجتماعی را چنان می‌سازد که خود مایل است. از این رو، مید می‌اندیشید که ماهیت و محتوای نگرش افراد و نحوه شکل‌گیری آن در یک زمینه ساختی و اجتماعی اتفاق

می‌افتد. اما این نظریه صرفاً معطوف به عوامل ساختاری نیست، بلکه او توانایی آگاهانه کنش‌گر را برای ساماندهی، تنظیم و سیاست‌گذاری هویت خویش مورد تأکید قرار می‌دهد. بنا به نظر مید، خود مرکب از دو بخش است: «من فاعلی» (خود جامعه‌ناپذیر) و «من مفعولی» (خود جامعه‌پذیر). هر دو جنبه خود بخشی از خودپنداری فرد است. من مفعولی عنصر ارزیابی‌کننده خود است که گرایش‌های دیگر افراد جامعه را انعکاس می‌دهد؛ در حالی که «من فاعلی» وجه خلاق و خیالی خود است. بنابراین، من مفعولی دربرگیرنده سازمان‌یافته از جهان‌بینی‌ای است که فرد آن را اقتباس کرده و در خود درونی کرده است و من فاعلی نشان‌دهنده واکنش ارگانیک است در قبال کنش، رفتار و گرایش‌های دیگر افراد. افراد در این مرحله از تکامل خود نگرش کل اجتماع یا به تعبیر مید، «دیگری تعمیم یافته» را انتخاب می‌کنند. در این مرحله، فرد نه تنها خود را با دیگران مهم (مراجع مهم)، بلکه با کلیت جامعه، به عنوان یک کل، نیز همسو می‌شود. دیگری تعمیم یافته را نباید یک فرد دانست، بلکه آگاهی هوشیارانه فرد است از جامعه‌ای که او بخشی از آن است (دیلینی، ۱۳۹۱). بر این اساس به نظر می‌رسد این نظریه با توسعه نظریه گروه‌های مرجع نشان می‌دهد که فرد به عنوان یک عضو از اعضای جامعه از یک سو تحت تأثیر نخبگان آن جامعه و از سوی دیگر هویت جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، جامعه‌پذیری خاصی پیدا می‌کند که این امر می‌تواند بر روی نگرش‌های سیاسی وی نیز تأثیرگذار باشد. در مجموع و با توجه به سیر تحول فزاینده نظریه مید توسط دیگر تحلیلگران و نویسندگان حوزه فرهنگ و جامعه (نک. جهانگیرزاده، ۱۳۹۰؛ درکی؛ آراسته؛ قورچیان و گلنار، ۱۳۹۴)، می‌توان چنین اظهار داشت که در این نظریه مؤلفه‌های فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی، تاریخی و قومی به عنوان مؤلفه‌های اثرگذار اصلی به نگرش سیاسی مطرح هستند. بر این اساس و در پژوهش حاضر مؤلفه‌های مزبور، به عنوان متغیرهای اصلی مدنظر قرار گرفته‌اند.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی همبستگی است و از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه شهروندان شهر خوی در استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۹۶ بوده است. شهرستان خوی بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهرستان استان آذربایجان غربی بعد از مرکز استان بوده و دومین شهر مهم استان آذربایجان غربی به حساب می‌آید که با وسعتی بالغ بر ۵۵۴۸ کیلومتر مربع در شمال غربی‌ترین نقطه ایران و آذربایجان و در مرز کشور ترکیه واقع شده است و جمعیت این شهرستان طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۳۴۸۶۶۴ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، سالنامه ۱۳۹۶). جهت تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد:

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = 383$$

در این فرمول $N=348664$ ، اشتباه مجاز معادل ۰/۰۵، نسبت برخوردار از صفت مورد نظر ۰/۵، نسبت عدم برخوردار از صفت مورد نظر ۰/۵ و مقدار $Z_{\alpha/2}$ در سطح خطای ۰/۰۵ برابر ۱/۹۶ در نظر گرفته شد. در این راستا با در نظر گرفتن ریزش احتمالی برخی پرسشنامه‌ها، ۴۰۰ پرسشنامه در جامعه آماری مورد نظر توزیع شد که البته بعد از حذف پرسشنامه‌های مخدوش، ۳۹۸ پرسشنامه باقی ماند و مورد تحلیل قرار گرفت. از این تعداد پرسشنامه، ۲۹/۶ درصد افراد زن و ۷۰/۴ درصد افراد مرد بودند که در فاصله سنی ۱۸ سال تا ۶۸ سال بودند و میانگین سنی آنها ۳۲/۵۷ می‌باشد. همچنین ۲۰ درصد آنها دارای تحصیلات زیردیپلم، ۳۲ درصد آنها دیپلم و ۴۸ درصد افراد دارای سطح تحصیلات دانشگاهی بودند. از سوی دیگر، ۱۹/۸ درصد پاسخگویان دارای درآمد کم، ۷۰/۶ درصد افراد دارای درآمد متوسط و ۴/۵ درصد آنان درآمد بالا داشتند. سرانجام ۸۹/۹ درصد افراد مورد مطالعه دارای قومیت ترک، ۱/۸ درصد افراد فارس، ۵ درصد کرد بودند، بدهی است که بقیه افراد کسانی بودند که قومیت خود را مشخص نکرده بودند.

در این راستا، ابزار اصلی مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه‌ای شامل دو متغیر هویت ملی و قومی و نگرش سیاسی بود. برای سنجش این متغیر هویت ملی و قومی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. متغیر هویت ملی با اقتباس از پرسشنامه ربانی، یزدخواستی، حاجیانی و میرزائی (۱۳۸۷) طراحی شد که دارای چهار مؤلفه بود: هویت فرهنگی (از قبیل از اینکه دارای فرهنگ ایرانی هستم به خودم می‌بالم، زبان فارسی نماد هویت ایرانیان در جهان است و غیره)، هویت جغرافیایی (از قبیل همه جای ایران، سرای من است، ایران وطن همیشگی من است و غیره)، هویت تاریخی (تاریخ ایران پر از شکوه، افتخار و عظمت است، بخشی از تاریخ ایرانم و غیره)، هویت سیاسی (از اینم که در سایه نظام جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کنم، احساس غرور می‌کنم، حکومت مستقل ما، مایه افتخار است و غیره). این متغیر دارای ۲۶ سؤال بود که ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۷۸ به دست آمد. همچنین برای سنجش هویت قومی از ۱۲ گویه استفاده شد که ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۷۹ به دست آمد (برخی از گویه‌های آن عبارتند از شدیداً به گروه قومی‌ام احساس تعلق می‌کنم، بهتر است فرد با کسی از گروه قومی خود ازدواج کند و غیره).

از سوی دیگر متغیر وابسته این پژوهش نگرش سیاسی بود. منظور این پژوهش از نگرش سیاسی نوعی روش سیاسی است که بر روی تعاریف گروه‌های مختلف اجتماعی از برخی موضوعات سیاسی تمرکز می‌کند، که این تعاریف به نوبه خود باعث به وجود آمدن طیف‌های سیاسی مختلف در جامعه می‌شود. برای سنجش متغیر وابسته از یک سؤال در طیف افتراق معنایی ۱۰ درجه‌ای استفاده شد که در یک سر طرف گرایش به گروه‌های سیاسی اصول‌گرا و در سر دیگر طیف گرایش به گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب قرار داشت. علت اینکه در سنجش نگرش سیاسی صرفاً بر روی طیف اصول‌گرا و اصلاح‌طلب اشاره شده است کلیه جریان‌های سیاسی ایران را می‌توان به دو جریان اصلی اصول‌گرا و اصلاح‌طلب تقسیم‌بندی کرد (شاملو، ۱۳۸۷).

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. یافته‌های توصیفی

در این قسمت به تحلیل و آزمون داده‌های پژوهش پرداخته شده است. ابتدا آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته ارائه شده است.

جدول شماره (۱): آمار توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

انحراف استاندارد	میانگین	حداکثر	حداقل	
۰٫۸۴	۳٫۶۲	۵٫۰۰	۱٫۰۰	فرهنگی
۰٫۷۴	۴٫۳۴	۵٫۰۰	۱٫۳۳	جغرافیایی
۰٫۷۱	۳٫۶۶	۵٫۰۰	۱٫۰۰	سیاسی
۰٫۷۹	۳٫۹۷	۵٫۰۰	۱٫۰۰	تاریخی
۰٫۶۳	۳٫۹۰	۵٫۰۰	۱٫۵۶	ملی
۰٫۷۴	۳٫۶۳	۵٫۰۰	۱٫۰۸	قومی
۳٫۰۰	۶٫۱۶	۱۰٫۰۰	۱٫۰۰	نگرش سیاسی

میانگین و انحراف معیار زیر مقیاس‌های متغیرهای مورد بررسی در جدول ۱ ارائه شده است. برای مقایسه بهتر وضعیت ابعاد هویت ملی و قومی پاسخگویان، نمرات آنها در دامنه ۱ تا ۵ و نمره نگرش سیاسی بین ۱ تا ۱۰ محاسبه شدند. در این راستا، میانگین هویت ملی (۳/۹۰) نشان می‌دهد که افراد مورد بررسی از هویت ملی نسبتاً بالایی برخوردار هستند؛ که در این میان مؤلفه جغرافیایی هویت ملی (۴/۳۴) از بالاترین میانگین و مؤلفه فرهنگی هویت ملی (۳/۶۲) از پایین‌ترین سطح میانگین برخوردار بودند. از سوی دیگر میانگین هویت قومی ۳/۶۳ بود که این امر نشان می‌دهد هر چند میانگین هویت قومی نیز در بین پاسخگویان قوی بود، اما به نظر می‌رسد میزان این متغیر کمتر از هویت ملی است. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میانگین نگرش سیاسی (۶/۱۶) نشان می‌دهد که پاسخگویان مورد بررسی به گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب تا حدودی گرایش بیشتری دارند.

جدول شماره (۲): ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

	فرهنگی	جغرافیایی	سیاسی	تاریخی	قومی
فرهنگی	۱,۰۰۰				
جغرافیایی	۰/۵۱	۱,۰۰۰			
سیاسی	۰,۶۰۷	۰,۵۴۷	۱,۰۰۰		
تاریخی	۰,۵۴۷	۰,۵۳۰	۰,۶۲۴	۱,۰۰۰	
قومی	۰,۲۰۷	۰,۲۷۱	۰,۳۲۱	۰,۴۲۵	۱,۰۰۰

جدول شماره ۲ میزان همبستگی و ارتباط بین ابعاد مختلف هویت ملی و هویت قومی را نشان می‌دهد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد بین تمامی ابعاد هویت ملی با هویت قومی ارتباط مثبتی وجود دارد. به عبارت دیگر به هر میزان بر میزان هویت ملی و مؤلفه‌های مختلف آن افزوده می‌شود، بر میزان قومی پاسخگویان افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر بر اساس نتایج پژوهش، در جامعه مورد بررسی بین هویت ملی و هویت قومی تضادی وجود ندارد و بین این دو نوع هویت هم‌پوشانی نسبتاً خوبی وجود دارد به گونه‌ای که این دو نوع هویت به عنوان مکمل همدیگر عمل می‌کنند.

جدول شماره (۳): نتایج آزمون نسبت احتمال

	لگاریتم درست‌نمایی	کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
مدل صفر	۱۷۳۶,۳۱۷			
مدل نهایی	۱۷۱۸,۱۱۰	۱۸,۲۰۶	۲	۰,۰۰

جدول شماره ۳ نتایج آزمون نسبت احتمال مدل را نشان می‌دهد. این آزمون در واقع آزمون نسبت احتمال مدل نهایی به مدلی صفر است که ضرایب تمامی پارامترها در آن برابر با عدد صفر است. با توجه به معنی‌داری مقدار کای اسکوئر (۱۸/۲۰) در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ می‌توان چنین گفت که مدل نهایی توانسته است مدل

صفر را منتفی کند. به عبارت دیگر، مدل رگرسیونی مدل مناسبی است و متغیرهای مستقل به خوبی قادرند تا تغییرات نگرش سیاسی را تبیین کنند.

جدول شماره (۴): آزمون نیکویی برازش مدل

سطح معنی داری	درجه آزادی	کای اسکوئر	
۰,۰۷۰	۳۸۱۸	۳۹۴۷,۵۸۲	پیرسون
۱,۰۰	۳۸۱۸	۱۷۱۲,۵۶۵	انحراف

جدول شماره ۴ نتایج آزمون نیکویی برازش را نشان می‌دهد. این جدول نشان‌دهنده نتیجه دو آماره کای اسکوئر پیرسون و کای اسکوئر انحراف را نشان می‌دهد. طبق نتایج جدول، سطح معنی داری نتیجه هر دو آماره کای اسکوئر پیرسون و انحراف بزرگتر از ۰/۰۵ است. از این رو، مدل رگرسیونی مدل مناسبی است.

جدول شماره (۵): مقادیر ضریب تعیین پزودو

۰,۰۴۵	کاکس و نل
۰,۰۴۵	نیجل کرک

جدول شماره ۵ مقادیر آماره‌های ضریب تعیین پزودو (شامل دو ضریب تعیین کاک و نل و نیجل کرک) را نشان می‌دهد که تقریب‌های ضریب تعیین در رگرسیون خطی هستند که در رگرسیون ترتیبی استفاده می‌شوند. همان‌طور که در جدول فوق آمده است، مقادیر هر دو آماره مربوط به ضریب تعیین پزودو فاصله نسبتاً زیادی با عدد ۱ دارند و توانسته‌اند تنها حدود ۴/۵ درصد از واریانس نگرش سیاسی در بین شهروندان خویی را تبیین کنند. به عبارت دیگر، میزان نسبتاً متوسطی از واریانس پارامتر هویت ملی توسط مدل مورد نظر تبیین شده و بیشترین میزان این واریانس تحت تأثیر دیگر پارامترهایی است که در مدل نیامده‌اند و در نتیجه به عنوان متغیرهای مستقل بررسی نشده‌اند.

جدول شماره (۶): برآورد متغیرهای پژوهش

متغیرهای پیش‌بین	برآورد	خطای استاندارد	والد	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	حد پایین	حد بالا
هویت قومی	۰,۳۷۸	۰,۱۲۹	۸,۵۸۸	۱	۰,۰۰۳	۰,۱۲۵	۰,۶۳۰
هویت ملی	-۰,۶۲۷	۰,۱۵۴	۱۶,۵۹۹	۱	۰,۰۰۰	-۰,۹۲۹	-۰,۳۲۶

جدول شماره ۶ با عنوان برآوردهای پارامتر مهم‌ترین جدول برای تفسیر میزان تأثیر رگرسیونی هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نگرش سیاسی است. در این جدول برای برآوردهای پارامتر، خطای انحراف استاندارد آنها، آزمون‌های معنی‌داری و فواصل اطمینان برای تمامی پارامترهای مدل به تفکیک آمده است. منتهی تأکید اصلی در اینجا بر معنی‌داری برآوردها و آزمون والد است. همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهد، تأثیر متغیرهای هویت قومی و هویت ملی بر نگرش سیاسی افراد مورد بررسی در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ معنی‌دار است. همچنین ضریب و جهت تأثیر متغیرهای مورد بررسی نشان می‌دهد، درحالی که هویت ملی تأثیر منفی‌ای بر روی نگرش سیاسی دارد، اما تأثیر هویت قومی بر روی نگرش سیاسی مثبت است.

در این راستا، مقدار برآورد متغیر هویت ملی برابر با ۰/۶۲- است و این نشان می‌دهد که با فرض ثابت ماندن تأثیر تمامی متغیرهای مدل، افزایش یک واحد در متغیر هویت ملی با کاهش ۰/۶۲- واحد در نسبت‌های لگاریتم متغیر وابسته نگرش سیاسی همراه خواهد بود. به عبارتی، افرادی که دارای هویت ملی بالاتری هستند، نسبت به کسانی که از هویت ملی پایین‌تری دارند از نمرات نگرش سیاسی کمتری برخوردار هستند و احتمال بیشتری وجود دارد که به سمت گروه‌های سیاسی اصول‌گرا گرایش پیدا کنند.

از سوی دیگر مقدار برآورد متغیرهای هویت قومی برابر با ۰/۳۷ است و این نشان می‌دهد که با فرض ثابت ماندن تأثیر تمامی متغیرهای مدل، افزایش یک واحد در متغیرهای هویت قومی با افزایش ۰/۳۷ واحد در نسبت‌های لگاریتم متغیر وابسته

نگرش سیاسی همراه خواهد بود. به عبارتی، افرادی که دارای هویت قومی بالاتری هستند، نسبت به افرادی که هویت قومی کمتری دارند، از نمرات بالاتری برخوردارند و احتمال بیشتری وجود دارد که به گروه‌های سیاسی اصلاح طلب گرایش پیدا کنند.

جدول شماره (۷): نتایج نهایی آزمون فرضیات پژوهش

متغیر وابسته	متغیر پیش‌بین	تأیید یا رد فرضیه	نوع تأثیر
نگرش سیاسی	هویت ملی	تأیید	گرایش به اصول‌گرایی
	هویت قومی	تأیید	گرایش به اصلاح‌طلبی

۳-۴. تحلیل یافته‌ها

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هویت‌های قومی و ملی بر روی نگرش سیاسی افراد نیز می‌توانند تأثیرگذار باشند و آنها را سمت و سوی خاصی بکشانند. در این زمینه نتایج پژوهش حاکی از آن است که هر چند بین هویت ملی و هویت قومی در شهرستان خوی همبستگی مثبتی وجود دارد، اما این دو نوع هویت می‌توانند تأثیرات مشابه بر روی نگرش سیاسی شهروندان داشته باشد. نتایج نشان می‌دهد درحالی‌که هویت قومی باعث گرایش افراد به اصلاح‌طلبی می‌شود اما هویت ملی گرایش شهروندان خوی به اصول‌گرایی را تقویت می‌کند. به نظر می‌رسد یکی از علل تأثیر مثبت هویت قومی به اصلاح‌طلبی آن باشد که اکثر حامیان هویت قومی در این شهرستان کسانی هستند که با ابتناء به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مبانی دینی و اسلامی و همچنین کنوانسیون‌های مختلف حقوق بشری، چشم امیدشان به پیگیری مطالبات از مسیرهای پیش‌بینی شده قانونی است. عمده تلاش این طیف از هویت‌طلبان و بومی‌گرایان (فارغ از عده قلیل مایوس و سرخورده و یا تندرو) که در اکثریت‌اند، اجرای بی‌تنازل قانون اساسی به مثابه میثاق ملی در قالب اصول معطلی چون اصل ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی است. رشد و توسعه متوازن، پایدار و همه‌جانبه مملکت و پرهیز از تبعیض‌های ناروای فرهنگی و اقتصادی از دیگر مطالبات این طیف غالب و مسلط می‌باشد. در این میان به نظر می‌رسد

جناح سیاسی اصلاح‌طلب در این شهرستان بیش از همتایان اصول‌گرای خود به شعارهای آزادی بیان و اندیشه و مسائلی از این قبیل که خواسته اصلی قومیت‌ها نیز است، توجه می‌کنند. بنابراین چنین امری باعث می‌شود تا شهروندان مورد اشاره بیش از دیگران به سمت گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب گرایش پیدا کنند.

اما در مورد توضیح علت تأثیر مثبت هویت ملی بر روی گرایش به اصول‌گرایی در این شهرستان باید این گونه توضیح داد که هویت ملی در این شهرستان دو مؤلفه ایرانیت دین‌گرا و ایرانیت قومیت‌گرا دارد؛ موضوعی که شهید مطهری از منظر و تحلیلی دیگر به آن اشاره داشته است. مطهری (۱۳۶۵) در کتاب «خدمات متقابل ایران و اسلام» به هم‌سویی و خدمات متقابل ایران و دین اسلام به همدیگر می‌پردازد و استدلال می‌کند که گرایش ایرانیان به اسلام از روی اجبار نبوده بلکه با عشق به آموزه‌های اسلامی مثل عدالت و همچنین استعداد ایرانی‌ها برای پذیرش اسلام بوده است. اما از سوی دیگر، جلال‌الدین میرزای قاجار بر دو مؤلفه زبان و تاریخ ملی تأکید می‌کند و به دنبال مدرن کردن مفهومی ملت می‌باشد. باید در بازسازی عنصر ملت، به زبان فارسی به عنوان زبان ملی ایران و تاریخ همبسته به نام ایران توجه کرد. آخوندزاده، کار جلال‌الدوله را کوشش برای ساختن حس ناسیونالیسم و بازگشت به زبان فارسی و از بین بردن کلمات اجنبی‌ها در کشور تلقی می‌کند. «خود» کسی است که به زبان فارسی و زبان مردم ایران حرف می‌زند و «غیر» کسی است که به زبان عربی یا سخنان ترک‌ها سخن می‌گوید. از دیدگاه وی زبان‌های عربی و ترکی، زبان‌هایی بیگانه‌اند (اکبری، ۱۳۸۴، ص. ۶۵). بر این اساس به نظر می‌رسد در صورتی که هر کدام از گفتمان‌های فوق‌الذکر می‌تواند تأثیرات متفاوتی در حوزه سیاسی داشته باشد. در این راستا بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهند که سطح دینداری در بین افراد ساکن در شهرستان خوی تا حدودی بالاست (بیرامی، اسماعیل‌پور و رضائی، ۱۳۹۱) و احتمالاً به همین دلیل گفتمانی که در این منطقه وجود دارد گفتمان ایرانیت دین‌گرا است و در نتیجه بین هویت دینی و هویت قومی در این منطقه همبستگی بالایی برقرار شده است.

بدین ترتیب با توجه به اینکه گروه‌های سیاسی اصول‌گرا در ایران از ایرانیت دین‌گرا حمایت بیشتری انجام می‌دهند بنابراین تمایل افراد با هویت ملی بالا به سمت گروه‌های اصول‌گرا امری چندان غیرمحمتمل به نظر نمی‌رسد.

نتیجه‌گیری

روابط بین افراد و بین فرد و جامعه از هر نوعی که باشد به تدریج اصول و قوانینی را در نظام شخصیتی آنها نهادینه می‌کند که تعیین‌کننده انتخاب‌ها، گرایش‌ها و در واقع نوع نگرش آنها به مسائل و معضلات اطرافشان است. در یک جامعه متکثر از نظر قومیتی و مذهبی طبیعتاً افراد هویت‌های متکثر نیز خواهند داشت که بسته به آن نوع رفتارهای اجتماعی و گرایش‌هایشان تعیین می‌شود. در چنین جوامعی همبستگی اجتماعی ممکن است در سطح زیرمجموعه‌ها قویتر باشد و مثلاً افراد همبستگی قومی یا مذهبی یا زبانی بالایی را نشان دهند و بگوییم افراد در جامعه از هویت قومی یا مذهبی بالایی برخوردارند یا اینکه همبستگی ملی بالایی داشته باشند و بگوییم که افراد از هویت ملی بالایی برخوردارند. بسته به نوع هویت‌ها و همبستگی‌ها، افراد در روابط اجتماعی و سیاسی خود رفتارهای متفاوتی نشان می‌دهند.

تحلیل ارائه شده در پژوهش حاضر حکایت از آن دارد که نزد شهروندان خوی، رابطه بین هویت ملی - قومی و نگرش سیاسی به گونه‌ای شکل گرفته که اگرچه مؤلفه‌های هویت قومی، نگرش سیاسی اصلاح‌طلبی را تقویت و تأیید می‌نماید؛ اما مؤلفه‌های هویت ملی بیشتر متوجه نگرش اصول‌گرایی است. در عمل نیز به واسطه تأثیر عوامل مختلف محیطی و هنجاری، نگرش اصول‌گرایی بدلیل تأکید ویژه بر دو مقوله ایرانیت و اسلامیت، توانسته مورد اقبال بیشتری از سوی شهروندان خوی قرار گیرد.

۱ George Herbert Mead

کتابنامه

- احمدلو، حبیب و افروغ، عماد (۱۳۸۱). «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز»، *مطالعات ملی*، ۱۳(۴)، ۱۰۹-۱۴۴.
- احمدی، حمید و گنج خانلو، مصدق (۱۳۹۳). «رابطه هویت ملی و هویت قومی بین جوانان شهر زنجان»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۶(۴۰)، ۶۲-۹۲.
- افشار کهن، جواد؛ پاک سرشت، سلیمان و زندی، فاطمه (۱۳۹۲). «بررسی رابطه هویت ملی با هویت قومی جوانان (مطالعه موردی: شهر خرم‌آباد)»، *توسعه اجتماعی*، ۷(۳)، ۳۳-۶۲.
- اکبری، حسین و فخاری، روح‌الله (۱۳۹۶). «نقش قومیت در رفتار انتخاباتی اجتماعات چندقومیتی (مورد مطالعه: شهرستان بجنورد)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۸(۲)، ۷۱-۹۰.
- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴). *تبارشناسی هویت جدید ایرانی، عصر قاجار و پهلوی اول*. تهران: علمی و فرهنگی.
- امیری، مجتبی و نوری مرادآبادی، یونس (۱۳۹۱). «بررسی رابطه میان نگرش سیاسی، اعتماد به رسانه ملی، مخاطبان فعال و گرایش دانشجویان دانشگاه‌های تهران به شبکه‌های اجتماعی مجازی»، *مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، ۴(۲)، ۳۹-۶۳.
- بیرامی، منصور؛ اسماعیل پور، خلیل و رضائی، زینب (۱۳۹۱). «بررسی مقایسه‌ای سخت‌رویی و سلامت روان در سطوح مختلف دینداری در فرهنگیان»، *نشریه علمی پژوهشی آموزش و ارزشیابی*، ۱۹(۵)، ۷۵-۹۰.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰). *فرهنگ علوم اجتماعی* (باقر ساروخانی، مترجم). تهران: نشر کیهان.
- جهانگیرزاده، محمدرضا (۱۳۹۰). «دیدگاه‌های هویت - شخصیت و رفتاری‌نگر در رشد اخلاقی»، *معرفت اخلاقی*، ۳(۹)، ۶۵-۸۸.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۷). «نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۹(۴)، ۱۴۳-۱۶۴.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی، مراد (۱۳۸۵). «نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ)»، *پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، ۲۰(۱)، ۴۶-۱۵.
- خدابخشی، لیلا (۱۳۹۴). «تأثیر اینترنت بر نگرش سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی استان

سیستان و بلوچستان در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. ۱۱(۳۲)، ۱۳۷-۱۵۱.

داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۹)، *ناسیونالیسم و انقلاب*. تهران: موسسه مطالعات ملی. درکی، سیمین؛ آراسته، حمیدرضا؛ فورچیان، نادرقلی و گلنار، مهران (۱۳۹۴). «ارائه مدلی مفهومی برای بهبود شکل‌گیری هویت دانشجویان»، فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی. ۶(۵)، ۹۱-۱۰۶.

درگاه آمار ایران (۱۳۹۶)، «سالنامه آماری». به آدرس: www.amar.org.ir دیلینی، تیم (۱۳۹۱). *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی* (بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، مترجم). تهران: نشر نی.

ربانی، علی؛ یزدخواستی، بهجت؛ حاجیانی، ابراهیم و میرزائی، حسینعلی (۱۳۸۷). «بررسی رابطه هویت ملی و قومی با تأکید بر احساس محرومیت و جامعه‌پذیری قومی: مطالعه موردی دانشجویان آذری، کرد و عرب»، *مسائل اجتماعی ایران*. ۱۲(۶۳)، ۳۳-۶۹.

رهبرقاضی، محمودرضا؛ باقری اژی، ابوالفضل و رحمانی، سمانه (۱۳۹۴). «محافظه‌کاری فرهنگی و سیاسی: اهمیت بنیان‌های اخلاقی»، *مجله مطالعات میان‌فرهنگی*. ۱۰(۲۵)، ۷۷-۹۴.

رهبرقاضی، محمودرضا؛ باقری اژی، ابوالفضل و رحمانی، سمانه (۱۳۹۷). «گرایش‌های محافظه‌کاری: تأثیر ویژگی‌های شخصیتی»، *روان‌شناسی بالینی و شخصیت*. ۱۶(۱)، ۵۷-۶۹.

رهبرقاضی، محمودرضا؛ رادی، لیلا و لیموچی، ایوب (۱۳۹۵). «تبیین نگرش سیاسی دانشجویان با استفاده از الگوی تجدیدنظرطلبانه شکاف‌های جنسیتی»، *زن در توسعه و سیاست*. ۱۴(۳)، ۳۲۹-۳۴۱.

رهبرقاضی، محمودرضا؛ نساج، حمید و گورابی، سیدیاسم (۱۳۹۵). «اولویت‌های ارزشی و اجتماعی به عنوان عوامل پیش‌بینی‌کننده جهت‌گیری‌های سیاسی اصول‌گرایی / اصلاح‌طلبی (مطالعه موردی شهروندان شهر اصفهان)»، *مجلس و راهبرد*. ۲۳(۸۶)، ۹۵-۱۱۸.

سردارنیا، خلیل‌الله و یوسفی، بهمن (۱۳۹۵). «سنجش رابطه اعتماد و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با فرهنگ سیاسی دانشجویان: مطالعه موردی، دانشجویان دانشگاه شیراز»، *دانش سیاسی*. ۱۲(۲۳)، ۵-۲۶.

شاملو، عباس (۱۳۸۷). *اطلاعاتی درباره احزاب و جناح‌های سیاسی ایران امروز*. تهران: نشر وزرا. شهریاری، حیدر (۱۳۹۴). «تحلیل تطبیقی گرایش سیاسی دانشجویان علوم انسانی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران»، *دانش سیاسی*. ۱۰(۲)، ۶۳-۱۰۱.

شهیدی‌نیا، علی (۱۳۷۹). «عوامل مؤثر بر رفتار انتخاباتی (ترجیحات رأی‌دهی) رأی‌دهندگان استان کرمانشاه طی دوره اول تا پنجم شورای اسلامی از دیدگاه کارشناسان استان کرمانشاه (رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)». به آدرس:

<http://library.sbu.ac.ir/islandora/object/thesis%3A21441>

صدیق سروستانی، رحمت‌الله و هاشمی، سید ضیاء (۱۳۸۱). «گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه‌های مرتن و فستینگر»، *مطالعات جامعه‌شناختی*. ۲۰(۸)، ۱۴۹-۱۶۸.

عباسی، روح‌الله؛ کوهکن، علیرضا و آبسالان، صادق (۱۳۹۲). «بررسی نقش رسانه‌ها و گروه‌های مرجع بر شکل‌گیری نگرش سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی: خیزش‌های اخیر اسلامی در منطقه خاورمیانه)»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*. ۳(۴)، ۱۳۰-۱۰۷.

عبدالملکی، سعید (۱۳۹۵). *روان‌شناسی سیاسی*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). *ظهور جامعه شبکه‌ای (احد علیقلیان، افشین خاکباز، مترجم)*. تهران: طرح نو.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۵). *خدمات متقابل ایران و اسلام*. تهران: صدرا.
مقدس جعفری، محمدحسن؛ شیخاوندی، داور و شریف‌پور، حامد (۱۳۸۷). «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کرد مطالعه موردی دانشگاه پیام نور»، *فصلنامه مطالعات ملی*. ۳۳(۳)، ۹۷-۱۲۶.

مهرمند، احد؛ اشرفی سلطان احمدی، حسین؛ عزیزی نژاد و بهاره و ماندگار (۱۳۸۹). «بررسی جامعه‌شناختی میزان رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان آذری زبان شهر ارومیه»، *مطالعات امنیت اجتماعی*. ۱۲۰-۸۹، ۲۱(۲۱).

هاشمیان فر، علی؛ دهقانی، حمید و فراستخواه، مقصود (۱۳۹۴). «نگرش سیاسی - اجتماعی نوگرای دانشجویان و تأثیر خانواده و دانشگاه بر آن»، *جامعه‌شناسی کاربردی*. ۲۶(۳)، ۳۹-۵۶.

Burke, P. J. (1991). Identity processes and social stress, *American sociological review*. 56(6), 836-849.

Cigler, A., and Joslyn, M. R. (2002). The extensiveness of group membership and social capital: The impact on political tolerance attitudes, *Political Research Quarterly*. 55(1), 7-25.

Clarke, H. D. and Acock, A. C. (1989). National elections and political attitudes: The case of political efficacy, *British Journal of Political Science*. 19(4), 551-562.

Deutsch, M. and Krauss, R. M. (1965). *Theories in Social Psychology*. New York: Basic Books.

Duckitt, J. and Fisher, K. (2003). The impact of social threat on worldview and

- ideological attitudes, *Political Psychology*. 24(1), 199-222.
- Duckitt, J. and Sibley, C. G. (2016). Personality, ideological attitudes, and group identity as predictors of political behaviour in majority and minority ethnic groups, *Political Psychology*. 37(1), 109-124.
- Green, D. and Shapiro, I. (1996). *Pathologies of rational choice theory: A critique of applications in political science*. Yale University Press.
- Jacoby, W. G. (1988). The impact of party identification on issue attitudes, *American Journal of Political Science*. 643-661.
- Lenart, S. L. (1994). *Shaping political attitudes: The impact of interpersonal communication and mass media*. Sage Publications.
- Lipset, S. M. (2001). *Cleavages, parties and democracy*. Party systems and voter alignments revisited, 3-9.
- Lubbers, M. and Coenders, M. (2017). Nationalistic attitudes and voting for the radical right in Europe, *European Union Politics*. 18(1), 98-118.
- McCrone, D. (1998). *The sociology of nationalism: tomorrow's ancestors*. Psychology Press.
- Morrow, J. D. and Morrow, J. D. (1994). *Game theory for political scientists*. Princeton University Press.
- Mutz, D. C.; Sniderman, P. M. and Brody, R. A. (1996). *Political persuasion and attitude change*. University of Michigan Press.
- Purdie, N. and Wilss, L. (2007). Australian national identity: Young peoples' conceptions of what it means to be Australian. *National Identities*. 9(1), 67-82.
- Rom, E. and Mikulincer, M. (2003). Attachment theory and group processes: the association between attachment style and group-related representations, goals, memories, and functioning, *Journal of personality and social psychology*. 84(6), 1220.
- Smith, T. W. and Jarkko, L. (2001). *National pride in cross-national perspective*. Chicago, National Opinion Research Center, University of Chicago.
- Spießberger, S. and Ungersböck, M. (2005). *national identity*, International Betriebswirtschaft, international identity seminar.
- Tajfel, H. and Turner, J. C. (2004). The Social Identity Theory of Intergroup Behavior, *Political Psychology*. 276-293.
- Tessler, M. (2002). Islam and democracy in the Middle East: The impact of religious orientations on attitudes toward democracy in four Arab countries, *Comparative Politics*. 34(3), 337-354.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال بیستم، شماره سوم (پیاپی ۴۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص. ۹۹-۹۹



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی